

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تهیه و تنظیم از سهیلا
۰۲ اکتوبر ۲۰۱۹

چیلی علیه نظم ظالمانه سرمایه داری حاکم به پا خاسته است

مردم آزادیخواه جهان در ماه اکتوبر ۲۰۱۹ با خیزش انقلابی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان چیلی روبه رو شدند که یادآور مقاومت قهرمانانه آنها در مقابل دیکتاتوری پینوچیت و امپریالیسم امریکا در بیش از چهار دهه پیش است. دیدن صحنه های مقاومت و درگیری کارگران و جوانان انقلابی با سربازهای مسلح، و یا صحنه هایی مانند صدها نفر گیتار به دست که ترانه "حق زیستن در صلح" سروده "ویکتور خارا" ترانه سرا، شاعر و انقلابی چیلیائی، را می نوازند و می خوانند و صدای انقلابی خود علیه رژیم دیکتاتور چیلی و امپریالیست های مدافع آن را به گوش جهانیان می رسانند، شور انقلابی را در قلب هر بیننده آزادیخواهی شعله ور می کند. (۱)

در ماه اکتوبر، علاوه بر چیلی، شاهد گسترش خیزش های انقلابی - طبقاتی جدیدی در چندین کشور دیگر نیز بودیم. در واقع، خواسته های مشابه در بین طبقه کارگر و توده های مردم در کشورهای هائی به ظاهر متفاوت (چیلی، عراق، لبنان و ...) منجر به شورشهای اجتماعی بزرگ علیه شرایط استثمار و خفقان و فسادهای گشته است که سلطه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در این کشورها ایجاد نموده و زندگی میلیون ها انسان را در چنبره فقر و فلاکت و مصیبت های گوناگون فشرده ساخته است. در اینجا نگاهی به خیزش انقلابی کارگران و زحمتکشان چیلی می اندازیم.

افزایش چهار درصدی بلیط مترو در چیلی جرقه ای شد برای انفجار خشم مردم و شروع تظاهرات اعتراضی گسترده ای که نظم حکومتی سیستم سرمایه داری آن کشور را دچار بحران کرد. طبقه کارگر چیلی در اعتراضات اخیر خود با قاطعیت نشان داد که به شدت علیه حکومت دیکتاتور حاکم بوده و با آن مبارزه می کند. کارگران پس از فراخوان برای اعتصاب عمومی با هدف پایان دادن به حکومت نظامی، بیست بندر اصلی (شاهرگ های تجاری) را مسدود کردند. معدنچیان مس - که از لحاظ تاریخی مبارزترین بخش طبقه کارگر چیلی هستند و مهمترین صادرات این کشور را تولید می کنند، از ۱۶ اکتوبر در برخی معادن اعتصاب را شروع کردند و از روز دوشنبه ۲۱ اکتوبر اعلام اعتصاب عمومی کردند و معادن مهمی مانند معدن "اسکونیدیا" بزرگترین معدن کشور را تعطیل کردند. این خبر منجر به افزایش قابل توجه قیمت مس شد. چیلی تقریباً یک سوم از مس جهان را تأمین می کند. هر روز هزاران کارگر با واسکت های زرد بر تن (مانند واسکت های زرد فرانسه) در خیابانهای شهرهای صنعتی چیلی رژه رفتند. تظاهرکنندگان در روز ۱۸ اکتوبر همه ۱۳۶ ایستگاه متروی سانتیاگو را مسدود و عملاً تعطیل

کردند و دوازده ایستگاه مترو را آتش زدند. آنها دفاتر روزنامه طرفدار پینوچیت و دفتر مرکزی شرکت خصوصی ایتالیایی "آئل" (Enel) را که کنترل ۴۰ درصد توزیع انرژی در چیلی را به عهده دارد، نیز به آتش کشیدند.

پاسخ دولت دست راستی "سیاستین پیانرا" (Sebastián Piñera) به تظاهرات مردم، اعلام حکومت نظامی (از روز شنبه ۱۹ اکتوبر) و استقرار بیست هزار سرباز در خیابان های سانتیاگو و هزاران نفر در شهرهای دیگر و حمله مسلحانه به تظاهرکنندگان بود. به طوری که براساس آمارهای رسمی تاکنون بیش از ۱۸ نفر کشته، صدها نفر زخمی و حداقل پنج هزار نفر دستگیر شده اند. البته آمار واقعی به طور قطع بیش از این تعداد می باشد. گزارشهای متعددی نیز در رابطه با ناپدید شدن و شکنجه زندانیان و تجاوز به زنان بازداشت شده منتشر شده اند. به عنوان مثال، یک گروه از دانشجویان زن به خبرنگاران گفتند که سربازها آنها را مجبور به برهنه شدن کردند و به آنها آب فشار قوی می پاشیدند و فریاد می زدند: "از کمونیست ها متنفریم".

قطعات ارتشی سراپا مسلح (با هر وسیله ای من جمله هلیکوپتر) به تظاهرکنندگان در خیابانها و فروشگاه ها و پلازاها و پل ها و ... حمله کردند. فلم هائی در رسانه های اجتماعی منتشر شده اند که نشان می دهند سربازان و لباس شخصی ها در روز روشن و در شب به تظاهرکنندگان شلیک کرده و آنها را به قتل رسانده اند و یا از آنها عکس گرفته و روز بعد آنها را در محله هایشان ربوده و سربه نیست کرده اند. همه این واقعیات بیانگر آنند که طبقه حاکم بر چیلی، چهل و شش سال پس از کودتای امریکائی "آگوستو پینوچیت"، در چنان وضعیتی قرار دارد که خود را مجبور دیده است با همان روشهای جنایتکارانه دیکتاتوری پینوچیت تحت حمایت امپریالیسم امریکا، یعنی با حکومت نظامی و شکنجه و کشتار به سرکوب اعتراضات رو به رشد صدها هزار کارگر و جوان آگاه بپردازد. این عکس العمل، دقیقاً وحشت طبقه سرمایه دار حاکم بر چیلی و اربابان امریکائی آنها را از شعله ور شدن خشم کارگران و زحمتکشان نشان می دهد. بیهوده نیست که سرمقاله "واشننگتن پست" در ۲۱ اکتوبر از "بهار امریکای لاتین" سخن گفته و وحشت امپریالیست ها از گسترش اعتراضات در همه کشورهای امریکای لاتین را آشکار می سازد.

اما تاکنون سرکوبها و شکنجه های قرون وسطائی نه تنها منجر به ترس و عقب نشینی مردم چیلی نشده ، بلکه باعث تشدید اعتراضات آنها نیز گردیده است. به عنوان مثال در روز چهارشنبه ۲۳ اکتوبر اعتصاب سراسری در کشور آغاز شد و طبق آمار دولتی حدود ۴۲۴ هزار نفر در ۶۸ راهپیمائی مجزا در سراسر کشور شرکت کردند. بدون شک در یک آمار واقعی ارقام فوق به مراتب بیشتر از این نشان داده خواهد شد. در دومین روز اعتصاب سراسری (پنجشنبه ۲۴ اکتوبر) صدها هزار نفر دیگر نیز به راهپیمائی ها و تظاهرات قهرآمیز خیابانی افزوده شدند. این سرعت گسترش تظاهرات، طبقه حاکم را دچار وحشت از سقوط ناگهانی حاکمیت موجود کرد، به طوری که رئیس جمهور چیلی در روز ۱۹ اکتوبر پیام داد که "متواضعانه، صدای هموطنانم را شنیدم..." و اعلام کرد که ۳۰ پزو را که اخیراً به قیمت بلیط مترو سانتیاگو اضافه کرده بودند، برمی دارد. این فریبکاری او در حالی است که از مدتی پیش ۱۰۰ پزو به قیمت بلیط در ساعات اداری افزوده شده است. مردم چیلی که در مواجهه با افزایش فقر و گرسنگی و شکاف طبقاتی در کشورشان، بروشنی می دانند که سیستم سرمایه داری حاکم ریشه همه رنج و درد و ستم های اقتصادی-اجتماعی است که آنها متحمل می شوند، فریب اینگونه فریبکاریها و قول و قرارهای ناچیز و عوامفریبانه دولت را نخورده و در شعارها و اعلامیه های خود خواهان سقوط دولت و رژیم شدند. مردم آگاه چیلی می دانند که خصوصی سازی های سالهای اخیر منجر به ایجاد چنان فقر و نابرابری اقتصادی در چیلی شده که بنا بر گزارشات مؤسسات بین المللی، این کشور بالاترین سطح نابرابری اجتماعی در جهان را نمایندگی می کند.

براساس داده های بانک جهانی (آمار سال ۲۰۱۷) یک درصد از جمعیت، بیش از ۳۳ درصد از درآمد ملی را هر ساله به جیب می زند. اخیراً نیز چیلی بهشتی برای سرمایه های مالی خارجی نامیده شد، و این فراتر از آن چیزی است که دیکتاتوری پینوچیت قادر به انجام آن بود.

گزارشی از "نیویورک تایمز" به شکل فریبکارانه ای بخشی از حقایق اجتماعی چیلی را بیان نموده و تظاهر به دلسوزی برای مردم آن کشور کرده است. در سرمقاله این نشریه ۲۴ اکتوبر آمده است: "خشم معترضان چیلی ناشی از ناامیدی های زندگی روزمره آنهاست. آنها با نابرابری های اقتصادی فوق العاده ای روبه رو هستند. با این که سانتیاگو یک شهر بسیار ثروتمند است و از بالای بلندترین ساختمان امریکای جنوبی که در مرکز شهر در محله ای به نام "سنهاتان" قرار دارد (۲) می توان آپارتمان های بسیار لوکس و بیمارستانها و مدارس خصوصی و نمادهای ثروت را تا آنجا که چشم کار می کند، دید، اما فقر سانتیاگو نیز در حومه این کلان شهر چشمگیر است. بیمارستانهای عمومی که در حال ویران شدن هستند، مدارس شلوغ و کپرنشین ها و ... و دورتر از سانتیاگو نیز شهرهایی وجود دارند که در آنها خبری از رونق اقتصادی نیست".

آنچه که نیویورک تایمز نمی گوید این است که با توسعه سرمایه های مالی امپریالیستی و تشدید سلطه آنها بر کشورهای وابسته و به نابودی کشاندن زندگی طبقات تحت ستم، مبارزه طبقاتی در سراسر جهان (هر زمان و هر جا که شرایط مساعدتر است) تشدید خواهد شد.

یکی از ویژگیهای قابل توجه (و مشترک) در اعتراضات مردم چیلی و کشورهای دیگر چون اکوادور، عراق و لبنان، اعتراض آنها علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی و نابرابریهای اقتصادی- اجتماعی و فقر و فلاکتی است که در ۳۰ سال گذشته تشدید شده است. کاهش خدمات شهری، باز گذاشتن دست بخش خصوصی و در نتیجه آن کاهش دستمزدها به میزانی زیر خط فقر، قوانین ضدکارگری، سپردن پرداخت حقوق بازنشستگی و غیره به شرکتهای خصوصی... اینها همه واقیعت هائی در چیلی می باشند و این واقیعات در یکی از شعارهای تظاهرکنندگان در چیلی به خوبی منعکس شده است: "این به خاطر ۳۰ پزو نیست، به خاطر ۳۰ سال است". (اشاره به افزایش سی پزو به بلیط مترو در سانتیاگو که محرک اولیه برای به صحنه مبارزه آمدن توده ها بود و سی سال افزایش نابرابری های طبقاتی از زمان کناره گیری پینوچیت در ماه مارچ ۱۹۹۰ تا کنون).

مردم معترض در لبنان نیز می گویند که سیاستهای ریاضت اقتصادی تحمیل شده از طرف بانک جهانی و صندوق بین المللی پول یعنی دو نهاد امپریالیستی که امریکا دست بالا را در آن دارد، از زمان پایان جنگ داخلی منجر به وخامت وضعیت زندگی اقتصادی و اجتماعی آنها شده است. این ویژگی اعتراضات اخیر کارگران و زحمتکشان جهان نشان دهنده این واقیعت است که حاکمیت سرمایه مالی انگلی نظامی ایجاد کرده است که رشد بی وقفه نابرابری اجتماعی، انتقال ثروت از انبوه طبقه کارگر و زحمتکش سراسر جهان به یک گروه کوچک از سرمایه داران بزرگ را باعث شده و مبتنی بر سرکوب معترضان نسبت به این نظم می باشد. این نظم سیستم سرمایه داری امروز با خطر تجدید حیات سریع مبارزه طبقاتی طبقه کارگر جهانی روبه رو شده است.

اوج گیری مجدد مبارزات طبقه کارگر چیلی، بخشی از شورش مجدد طبقه کارگر در سطح بین المللی من جمله در امریکای لاتین علیه سیستم سرمایه داری می باشد. اعتصابات گسترده و تظاهرات علیه ریاضت اقتصادی در اکوادور و هندوراس، بخشی از مبارزات کارگری جهانی هستند.

عامل اساسی چرخش طبقه حاکم در کشورهای سرمایه داری جهان به شیوه های سرکوب بسیار وحشیانه، که با اشکال حاکمیت دموکراتیک سرمایه داری کلاسیک و شبه کلاسیک متفاوت است، رشد هر چه بیشتر مبارزه طبقاتی

با توجه به رشد شدید نابرابری های اقتصادی- اجتماعی است. به عنوان مثال در چیلی، نابرابری به سطح سال ۱۸۸۲ بازگشته است، به زمانی که تعداد انگشت شماری از سرمایه داران بزرگ که دارای روابط نزدیکی با امپریالیست های امریکائی و اروپائی هستند (من جمله رئیس جمهور میلیاردر چیلی) همه سطوح دولت را کنترل می کنند.

شیوه برخورد وحشیانه طبقه حاکم با اعتراضات توده های مردم در چیلی از یک طرف نشان داد که طبقه حاکم در همه جای جهان با کوچکترین خدشه ای به حاکمیت اقتصادی سیاسی اش، به وحشیانه ترین شکلی مقابله خواهد کرد و از طرف دیگر اعتراضات کارگران و توده های مردم در چیلی آشکار ساخت که طبقه کارگر برای ایجاد شرایط جهت از بین بردن سیستم سرمایه داری ناگزیر است که خود را سازماندهی انقلابی کند و رهبری مبارزه برای به دست آوردن حقوق دموکراتیک و از میان برداشتن نابرابری های اقتصادی سیاسی را به عهده بگیرد.

با درس گرفتن از وقایع چیلی و لبنان و عراق و ایران و ... کارگران مبارز و حامیان انقلابی آنان می توانند اعتراضات و اعتصابات گسترده اجتماعی کنونی را به پیش درآمدی برای مبارزه انقلابی رو به رشد و پیروزمند طبقه کارگر برای پایان دادن به سیستم سرمایه داری تبدیل کنند.

اکتوبر ۲۰۱۹

تهیه و تنظیم از سهیلا

زیرنویس ها:

- (۱) ویکتور خارا ترانه "حق زیستن در صلح" را علیه دخالت نظامی امریکا در ویتنام سروده بود. به دنبال کودتای پینوچیت کودتاچیان جنایتکار دست های ویکتور خارا را شکستند و سپس او را تیرباران کردند.
- (۲) "سنهاتان" به منطقه ای در مرکز شهر سانتیاگو (چیلی) گفته می شود که مانند "منتهااتان" (مرکز شهر نیویورک) مرکز دفاتر اصلی مؤسسات مالی و شرکت هائی با سرمایه های افسانه ئی می باشد.